

نگارخانه
نشر نگاه معاصر



طلوع شاهنامه در غرب

کتابخانه
میرزا...



طلوع شاهنامه در غرب
مردم بزرگ

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

طلوع شاهنامه در غرب

دکتر مریم برزگر

نگارخانه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسَم الرسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: نادر

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۵۰

قیمت: ۳۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۵۹-۰

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پُست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

Instagram: nashr_negahemoaser

سرشناسه	: برزگر ملکی، مریم، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: شاهنامه در غرب / مریم برزگر.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۴ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-6189-59-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. شاهنامه - تأثیر.
موضوع	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Influence
موضوع	: ادبیات اروپایی - تأثیر ایران.
موضوع	: European Literature - Iranian Influences
موضوع	: ادبیات فارسی - تأثیر.
موضوع	: Persian Literature - Influence
موضوع	: خاورشناسان - سرگذشتنامه.
موضوع	: Middle East Specialists - Biography
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ب ۴ ت / PIR ۴۴۹۷
رده بندی دیویی	: ۸۱ / ۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۰۴۱۷۷

فهرست

□ پیشگفتار..... ۹

بخش اول: چرا غرب از شاهنامه تأثیر پذیرفت..... ۱۵

۱-۱- شاهنامه و فردوسی..... ۱۷

۱-۲- اسطوره‌شناسی در شاهنامه..... ۲۲

۱-۳- انسان‌مداری در شاهنامه..... ۲۷

۱-۴- حکمت در شاهنامه..... ۳۱

۱-۵- سرنوشت در شاهنامه..... ۴۲

۱-۶- قدرت در شاهنامه..... ۴۵

۱-۷- تراژدی در شاهنامه..... ۵۳

۱-۸- جاودانگی در شاهنامه..... ۶۰

بخش دوم: منزلت شاهنامه در میان حماسه‌های جهان..... ۶۷

۲-۱- نگاهی به حماسه..... ۶۹

۲-۲- جایگاه شاهنامه در میان حماسه‌های دیگر..... ۷۶

۲-۲-۱- شاهنامه در مقایسه با آثار حماسی دیگر..... ۷۷

۲-۲-۲- تفاوت آراء و عقاید فردوسی و هومر..... ۸۰

۲-۳- حماسه‌های معروف جهان..... ۸۴

۲-۳-۱- گیلگمش..... ۸۵

۲-۳-۱-۱- مقایسه تطبیقی گیلگمش و شاهنامه..... ۸۷

- ۱۸۹..... ۲-۳-۲ ایلیاد
- ۹۲..... ۱-۲-۳-۲ مقایسه تطبیقی ایلیاد و شاهنامه
- ۹۸..... ۳-۳-۲ اودیسه
- ۱۰۰..... ۱-۳-۳-۲ مقایسه تطبیقی اودیسه و شاهنامه
- ۱۰۱..... ۴-۳-۲ انه‌اید
- ۱۰۳..... ۱-۴-۳-۲ مقایسه تطبیقی انه‌اید و شاهنامه
- ۱۰۵..... ۵-۳-۲ شانسون دورولان
- ۱۰۶..... ۱-۵-۳-۲ مقایسه تطبیقی شانسون دورولان و شاهنامه
- ۱۰۷..... ۶-۳-۲ ترانه نیلونگن
- ۱۰۸..... ۱-۶-۳-۲ مقایسه تطبیقی ترانه نیلونگن و شاهنامه
- ۱۰۹..... ۷-۳-۲ رامایانا
- ۱۱۵..... ۱-۷-۳-۲ مقایسه تطبیقی رامایانا و شاهنامه
- ۱۱۶..... ۸-۳-۲ مهابهاراتا
- ۱۱۹..... ۱-۸-۳-۲ مقایسه تطبیقی مهابهاراتا و شاهنامه
- ۱۲۰..... ۴-۲ نتایج مقایسه تطبیقی حماسه‌های جهان
- ۱۲۷..... بخش سوم: درآمدی بر شرق‌شناسی
- ۱۲۹..... ۱-۳ شرق‌شناسی در غرب
- ۱۳۷..... ۲-۳ مستشرقین ایران‌شناس
- ۱۳۸..... ۱-۲-۳ سِر ویلیام جونز (۱۷۴۴-۱۷۹۴)
- ۱۴۱..... ۲-۲-۳ ژوزف چمپیون (۱۷۵۰-۱۸۱۳)
- ۱۴۳..... ۳-۲-۳ آنتوان سیلوستر دو ساسی (۱۷۵۸-۱۸۳۷)
- ۱۴۴..... ۴-۲-۳ یوزف فرای فون هامرپورگشتال (۱۷۷۴-۱۸۳۸)
- ۱۴۶..... ۵-۲-۳ فریدریش روکرت (۱۷۸۸-۱۸۶۶)
- ۱۴۸..... ۶-۲-۳ سِر جان ملکم (۱۷۶۹-۱۸۳۳)
- ۱۵۰..... ۷-۲-۳ ژول مول (۱۸۰۰-۱۸۷۶)
- ۱۵۲..... ۸-۲-۳ هرمان اته (۱۸۴۴-۱۹۱۷)
- ۱۵۴..... ۹-۲-۳ تئودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰)
- ۱۵۵..... ۱۰-۲-۳ ادوارد گرانویل براون (۱۸۶۲-۱۹۲۶)

- ۱۶۰..... (۱۹۴۵-۱۸۶۸) رینولد الین نیکلسون ۱۱-۲-۳
- ۱۶۱..... (۱۹۷۱-۱۸۹۲) هلموت ریتز ۱۲-۲-۳
- ۱۶۲..... (۱۹۴۳-۱۸۸۰) فریتز وولف ۱۳-۲-۳
- ۱۶۴..... (۱۹۶۹-۱۹۰۵) آرتور جان آربری ۱۴-۲-۳
- ۱۷۳..... بخش چهارم: شاهنامه فردوسی در اروپا
- ۱۷۵..... ۱-۴ شاهنامه فردوسی در اروپا
- ۱۸۱..... ۱-۱-۴ فردوسی در فرانسه
- ۱۹۶..... ۲-۱-۴ فردوسی در آلمان
- ۲۰۹..... ۳-۱-۴ فردوسی در انگلستان
- ۲۳۷..... □ منابع و مآخذ

پیشگفتار

ادبیات فارسی که از پدیده‌های مهم هویت فرهنگی ما ایرانیان محسوب می‌شود، بی‌شک از غنی‌ترین ادبیات جهان است. گنجینه شعر فارسی نه تنها نزد فارسی‌زبانان ارزشمند است، بلکه مفاهیم عالی و صورت‌های زیبای آن بر فرهنگ و ادبیات دیگر ملت‌ها نیز تأثیرگذار بوده است، به گونه‌ای که برای بارور کردن ادبیات خویش از آن بهره‌ها برده‌اند. از بین شاعران فارسی‌گوی، که قرن‌ها در ایران محبوب خاص و عام بوده است و در سه قرن اخیر، جایگاه فرامرزی خویش را به دست آورده، باید از حکیم ابوالقاسم فردوسی نام برد. حکیم فردوسی سراینده شاهنامه، بزرگ‌ترین شاعر عصر خویش و یکی از پرآوازه‌ترین شاعران و داستان‌پردازان تاریخ ایران و جهان است. «او از کسانی است که سبک مخصوص به خود دارد؛ به طوری که در تمام این مدت هزار سال چهره او منفرد و ممتاز مانده است».^۱ شاهنامه فردوسی به عنوان سند هویت ملی ایرانیان نام برده می‌شود و با تاریخ پرماجرایی این سرزمین پیوند ناگسستنی دارد. در واقع «شاهنامه عصاره و چکیده تمدن و فرهنگ ایران در طی دو هزار سال است».^۲ این اثر که شامل حدود شصت هزار بیت است، یکی از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین حماسه‌های جهان است که سرایش آن سی سال به طول انجامید.

موضوع این شاهکار ادبی، اسطوره‌ها، افسانه‌ها و تاریخ ایران از ابتدا تا فتح ایران توسط اعراب در سده هفتم میلادی است که در چهار دودمان پادشاهی پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان خلاصه می‌شوند و به سه بخش اساطیری (از عهد کیومرث تا پادشاهی فریدون)، پهلوانی (از قیام کاوه آهنگر تا مرگ رستم) و تاریخی (از پادشاهی بهمن و ظهور اسکندر تا فتح ایران توسط اعراب) تقسیم می‌شود.

تثودور نولدکه^۳ پژوهشگر آلمانی درباره شاهنامه می‌گوید: «یک نوع وحدت شکل مخصوصی در تمام شاهنامه موجود است و آن عبارت است از تاریخ شاهنشاهی ایران از ابتدا تا اضمحلال آن، به طوری که ملت ایران آن را تصور کرده است»^۴ و چیزی که بر قیمت و مقام شاهنامه می‌افزاید، همین است که فردوسی داستان‌های آن را اختراع نکرده، بلکه آنها را گزارش کرده است و از این لحاظ می‌توان شاهنامه را آینه تاریخ و افکار حقیقی ملت ایران شناخت که با این سلاست و روانی در قالب نظم به تصویر کشیده شده است.

در مقام مقایسه از این نگاه هیچ‌یک از حماسه‌های بزرگ جهان، از جمله ایللیاد و اودیسه و مهابهاراتا و رامایانا و نیبلونگن و سرود رولان و... حماسه ملی محسوب نمی‌شوند، زیرا که اختصاص به وقایع پهلوانی دوره کوتاهی از تاریخ را دارند. حال آنکه شاهنامه گزارش کامل ادوار اساطیری، پهلوانی و تاریخی است که با وحدت خاصی در پی هم سروده شده است. تنها حماسه‌ای که از نظر ملی‌گرایی همانند شاهنامه است، انه‌اید ویرژیل است، زیرا که هدف‌گوینده تحکیم مبانی ملیت نژاد رومی بوده است.

شاهنامه فردوسی تنها روایات اساطیری و تاریخی و فرهنگ عامه نیست. این کتاب روش درست زندگانی و کشورداری را براساس اندیشه‌های ژرف فلسفی و عقل عملی بیان کرده است.

گرچه فردوسی در نظم شاهنامه و بیان روایات، امانت‌داری را حفظ کرده و از منابع اصلی غافل نبوده است، ولی بیش نظری و فلسفی خود را در لابه‌لای اشعار از زبان موبد دانا بیان کرده است. در واقع او حکیمی است که حکمت و دانش خود را در اشعار حماسی‌اش هویدا ساخته است. این اندیشه‌ها نه تنها مورد توجه شاعران ادب فارسی پس از او قرار گرفته است، بلکه با وجود ترجمه‌هایی از اثر حماسی او، توجه شخصیت‌های بزرگ ادبیات جهان همچون فریدریش روکرت^۵ شاعر بزرگ آلمانی، ژوکوفسکی^۶ از بزرگان ادبیات روسیه و نیز ماتیو آرنولد^۷ شاعر نامی و منتقد انگلیسی را به خود جلب می‌کند، به گونه‌ای که به بازآفرینی داستان‌های او همت گماشتند، و برترین آثار ادبی خویش را با الهام از مضامین شاهنامه سرودند و همچون فردوسی نام خود را جاودانه ساختند.

فردوسی با شاهنامه‌اش شاید عالی‌ترین تجسم نوزایی فرهنگی ایران در قرن چهارم هجری باشد. او با این اثر تمام وظایف رنسانس فرهنگی را از زنده کردن و بازیافتن گذشته و انعکاس زمان حال گرفته، تا استوار کردن زبان دری در سطحی عالی انجام داده است. اثر او در قلب دوران‌ش جای دارد^۸ و تا امروز نیز جایگاه خود را در بین آثار ادب فارسی حفظ کرده است.

از سوی دیگر، شاهنامه خلاصه و چکیده اندیشه و حکمت ایران پیش از اسلام را در خود بازتابانده است و همین اندیشه هاست که سرچشمه فکر اغتنام وقت و ناپایداری جهان در ایران بعد از اسلام قرار گرفته است.^۹

برای درک بهتر موضوع این چند بیت که همیشه برایم دلنشین بوده، آورده می شود:

بیاتابه شادی و فرخندگی برآریم باهم دم زندگی
اگر بازکاویم بنیاد را بنا بر غمست آدمیزاد را
کسانی که رخت از جهان برده اند همه در غم زیستن مرده اند
یک امروز در خوشدلی رو نهمیم غم دی و فردا به یک سو نهمیم
چو خواهی غم و شادمانی گذاشت جهان خوش گذارار توانی گذاشت
به می تازه گردان دل ریش را رها کن حساب کم و بیش را

«در واقع سرچشمه فکری را که به نام خیام شهرت یافته و شعرای دیگری از جمله حافظ نیز بدان توجهی خاص داشته اند، را باید در شاهنامه جست». ^{۱۰} زیرا شاهنامه سرگذشت شاهان و پهلوانان و زیبارویانی است که از بزرگترین قدرت ها برخوردار بوده اند و با این همه، نه قدرت و نعمت و نه جوانی و زیبایی و نه زور بازو، هیچ یک نتوانسته است آنها را از نهیب روزگار در امان نگاه دارد، آمدند و چند صبحی زیستند و رفتند.^{۱۱}

فردوسی تحت تأثیر داستان های خود، جهان بینی خویش را منطبق با جهان بینی پهلوانانش کرده است. او نیز مانند آنان معتقد است که باید خوش گذراند، «دم غنیمت شمرد» و در برابر بازی های روزگار، نهیب پیری، بیماری و مرگ، پادزهری جز عیش و شادمانی نیست.^{۱۲} در شاهنامه فردوسی، خرد و خردورزی منشأ تمام پیروزی ها، پیشرفت ها و نیکی هاست و در مقابل شکست ها و غم ها حاصل نبودن این گوهر ارزشمند است. از این رو حکیم ابوالقاسم فردوسی در دیباچه و تمام داستان های شاهنامه، خرد را ستایش می کند و بر خردورزی تأکید دارد.

جهانیان قدر این شاهکار بزرگ ایرانی را پیش و بیش از خود ما شناخته بودند، به طوری که لمسدن^{۱۳} انگلیسی در سال ۱۸۱۱ م. و ترنرماکان^{۱۴} انگلیسی در سال ۱۸۲۹ م. در کلکته و ژول مول^{۱۵} در سال های ۱۸۳۸-۱۸۷۸ م. در پاریس، چاپ های معتبری از شاهنامه را به طبع رسانیدند و در پی آن ترجمه های متعددی به زبان های مختلف از شاهنامه فردوسی منتشر گردید که باعث شهرت فردوسی در اروپا گردید.

دکتر فدربیکوماپور^{۱۶} مدیر کل سازمان جهانی یونسکو در سال ۱۳۶۹ ه.ش در کنگره

جهانی بزرگداشت فردوسی گفته است: «هزار سال، قبل از رنسانس غرب، سده‌ها پیش از قرن هجدهم، قرن روشنگری، پیش از تولد دکارت^{۱۷} و تولد ولتر^{۱۸}، یک شاعر ایرانی فراتر از هر چیز، اندیشه و خرد را ستوده است. شاعر ایرانی این ستایش را با چنان اعتقاد و با چنان شور و وجدی بیان می‌کند که خواننده را بی‌اختیار شیفته خرد می‌سازد. این چنین من از همان لحظه که شاهنامه را گشودم احساس کردم که با یک اثر استثنایی و یک انسان استثنایی روبرو هستم. خردی که فردوسی به توصیف آن پرداخته، به معنای قوه ادراک به تنهایی نیست، بلکه قابلیت شناخت نیکی هاست. حکمتی ژرف و پهناور است، آرامش و طمأنینه‌ای است که از درون برمی‌خیزد و زاده تسلط بر نفس است».^{۱۹}

شاهنامه به دلیل ارزش حماسی، ادبی و اخلاقی بسیار مورد توجه اروپاییان قرار گرفت، ولی به خاطر گستردگی موضوع و حجم زیاد، دیرتر از گلستان سعدی و رباعیات خیام، به صورت کامل ترجمه گشت. مستشرقان اروپایی که از قرن هفدهم میلادی با اهداف تجاری، مذهبی، سیاسی وارد ایران شده و با ادبیات غنی فارسی آشنا گشته بودند؛ به ترجمه آثار فارسی روی آوردند. از مهم‌ترین آثاری که توجه اروپاییان را جلب کرد شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی به عنوان حماسه ملی ایران بود.

برخی از مستشرقان اروپایی چون پوتر^{۲۰}، ژول مول^{۲۱}، ویلیام جونز^{۲۲} و آبل بونار^{۲۳} و... بر این عقیده‌اند که شاهنامه فردوسی برترین اثر حماسی جهان است که دلایل این آراء و جلوه‌هایی از شاهنامه که آن را به یکی برترین آثار حماسی جهان تبدیل کرده بیان می‌شود. این کتاب سعی دارد تا جایگاه فردوسی را در کشورهای مهم غربی از جمله فرانسه، آلمان، انگلستان به تصویر بکشد. برای رسیدن به چنین هدفی، ابتدا اندیشه و جهان بینی فردوسی به عنوان بزرگ‌ترین حماسه سرای ایران بیان می‌شود، زیرا که فردوسی در قالب روایات اساطیری و حماسی، جهان بینی خویش را که چکیده اندیشه و حکمت ایرانی است بیان کرده و همین مسأله شاهنامه فردوسی را از بقیه حماسه‌های جهان متمایز ساخته است. نگاه خاص او به میتولوژی، انسان‌مداری، حکمت و سرنوشت و... شاهنامه را به اثری اخلاقی و حکمی بدل کرده و این نگرش باعث توجه و تأثیرپذیری اروپاییان از شاهنامه فردوسی گشت. برای آشکار شدن منزلت شاهنامه در میان حماسه‌های معروف جهان، خلاصه‌ای از حماسه‌های معروف از جمله گیلگمش، ایلید، اودیسه، انه‌اید، شانسون دورولان، نیلونگن، رامایانا و مهابهاراتا بیان و با شاهنامه فردوسی مطابقت داده شده تا ارزش حماسی و ادبی هر یک مشخص گردد.

روند شرق‌شناسی در غرب و تلاش مستشرقان در معرفی آثار ادب فارسی را نباید نادیده گرفت. تنی چند از مهم‌ترین مستشرقان معروف که در شناساندن شاهنامه فردوسی به اروپا نقش داشتند به اختصار معرفی گردیده‌اند؛ زیرا که شاید در ابتدا علم خاورشناسی به عنوان یک هدف تجاری، سیاسی در نظر گرفته شده بود و از این رو بسیاری از شرق‌شناسان به یادگیری زبان‌های ترکی و عربی و فارسی پرداخته بودند، ولی به واسطه آشنایی با زبان و ادبیات فارسی، به شایستگی‌های آن زبان در انتقال ادبیات غنی و با ارزش پی بردند و به مطالعه و گسترش ادب این سرزمین‌ها به واسطه ترجمه و چاپ این آثار پرداختند.

به سخنی دیگر خاورشناسان در مواجهه با چنین ملتی که دارای سوابق طولانی دانش و ادب بودند و تمدنی هزاران‌ساله را با خود یدک می‌کشیدند، شیوه‌ای دیگر برگزیدند که عبارت از انتقال دانش ادبی و فلسفی این جوامع به سرزمین‌های خود از یک سو و وابسته نمودن مردم سرزمین‌های شرق، چه از نظر علمی و چه اقتصادی به جوامع خود از سوی دیگر بود.^{۲۴}

در بخش پایانی به نفوذ فردوسی و شاهنامه در سه کشور فرانسه، آلمان و انگلستان پرداخته‌ایم، البته سخن درباره شاهنامه و نفوذش در دیگر کشورها به این مقال محدود نمی‌شود، زیرا درباره شاهنامه و فردوسی آن‌قدر مقاله و کتاب تألیف و تدوین شده و هریک از بزرگان عرصه ادب فارسی مطالبی را در باب شاهنامه و هنر فردوسی نگاشته‌اند، که دسترسی به همه آنها به قصد یادآوری نیز امکان‌پذیر نیست، اما بر خود واجب می‌دانم تا از کتاب فردوسی و شاهنامه در آن سوی مرزها تألیف دکتر ابوالقاسم رادفرو کتاب ادبیات ایران در ادبیات جهان دکتر اسماعیل آذر که بخشی از آن به فردوسی در اروپا اختصاص دارد، یاد کنم.

با توجه به این موضوع که ادبیات تطبیقی در ایران علمی جدید به حساب می‌آید، پژوهش در این زمینه با مشکلات و موانع خاص همراه است. کمبود مراجع و منابع به زبان فارسی پیرامون موضوع مورد پژوهش، از مهم‌ترین مشکلات به حساب می‌آید و دسترسی به منابع زبان اصلی تقریباً غیرممکن بود. اکثر منابع ترجمه‌های آثار اروپایی هستند و تناقضات در ترجمه‌های گوناگون سبب سردرگمی می‌گشت. اختلاف‌های تلفظ در اسامی خاص، از دیگر مشکلات این پژوهش بوده است، که مؤلف با دقت بسیار و مراجعه به منابع قابل اعتمادتر، سعی داشته صورت صحیح‌تر را به کار برد. گرچه بعضی از تاریخ‌های ولادت و وفات مشخص نگردید، زیرا که از بعضی شخصیت‌ها فقط نامی در منبعی ذکر شده که بنا بر احتیاج آن اسم همان‌گونه آورده شده است.

در حال حاضر با رشد ادبیات تطبیقی و مطرح شدن بی‌مرزی در ادبیات، این سؤال پیش می‌آید که ما ایرانیان با پیشینه ادبی، عرفانی، حماسی و تعلیمی خود چه سهمی در تعالی فرهنگ جهانی داریم. پاسخ به این سؤال بر عهده پژوهشگران ایرانی است تا با تمرکز بر تأثیراتی که ادبیات فارسی به ویژه در دوره رمانتیسیم بر ادبیات اروپا گذاشت، سهم ایران را در ساختن فرهنگ و تمدن جهانی آشکار سازند، زیرا نباید نقش ایران در تنفیذ حکمت و معرفت ادبیات ایرانی در جهان کم‌رنگ جلوه کند.

در پایان بر خود لازم می‌دانم تا از استاد بزرگوارم جناب دکتر اسماعیل آذر که در مسیر دانش اندوزی همواره مشوق من بودند، تشکر و قدردانی کنم و سپاس فراوان من تقدیم به تمام استادان و پژوهشگرانی است که با آثار علمی گرانبه‌ایشان راه این پژوهش را بر من هموار نمودند، کسانی که با صرف وقت و انرژی چراغی فراروی پژوهشگران جوان افروختند تا به مدد آن مسیر تحقیق روشن و دلپذیر گردد. دعای خیر اهل ادب بدرقه زندگی پرافتخارشان باد.

مریم بزرگر

مهرماه یک‌هزار و سیصد و نود و هفت

پی‌نوشت‌ها

۱. شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۷.

۲. اسلامی ندوشن، ۱۳۶۳: شانزده.

3. Theodor Nöldeke (1836-1930)

۴. نولدکه، ۱۳۲۷: ۸۱.

5. Friedrich Rueckert (1788-1866)

6. Valentin Alekseyevic Zukovski (1858-1918)

7. Matthew Arnolds (1822-1888)

۸. جوانشیر، ۱۳۵۹: ۸۳.

۹. اسلامی ندوشن، ۱۳۶۳: ۸۷.

۱۰. اسلامی ندوشن، ۱۳۶۳: ۸۶. ۱۱. همان. ۱۲. همان، ۹۸.

13. M. Lumsden

14. Turner Macan

15. Jules Mohl (1800-1876)

16. Federico Mayor (1934-)

17. René Descartes (1596-1650)

18. Voltaire (1694-1788)

19. www.mehremihan.ir

20. Murray Anthony Pooter (1871-1915)

21. Jules Mohl (1800-1876)

22. Sir William Jones (1746-1794)

23. Abel Bonnard (1883-1968)

۲۴. یوحنا، ۱۳۸۵: ۴۵.